نگاه

الزامات احیای سازمان مدیریت-۱۲

توسعه‌نیافتگی نهاد برنامه

محمد ستاری‌فر

● متن زیر نامه‌ای است که دکتر ستاری‌فر در سال ۷۸ خطاب به آقای خاتمی نوشتند.

تعارض و تضاد در مبانی علمی برنامه‌ها، دوگانگی بین برنامه‌ها و عملکردها

در این ۲۰سال گذشته نهاد برنامه‌وبودجه به کمک دستگاه‌ها، همه نوع برنامه‌ای نوشت، برنامه‌هایی که بعضا متضاد با یکدیگر نیز بودند، نام همه آنها را نیز برنامه توسعه گذاشتند، در حالی که هیچ‌کدام از آنها نه‌تنها محصول توسعه‌ای نداشتند، بلکه به مسایل و عدم‌تعادل‌های تاریخی کشور عمق بیشتری بخشیدند. حضرتعالی از کدام برنامه توسعه در این ۲۰سال گذشته خبر دارید که در حد قابل‌قبولی به مرحله اجرا گذاشته شده باشد و حرکت‌ها و فعالیت‌های مجموعه نظام مطابق آن صورت گرفته باشد.

در برنامه توسعه ۸۶- ۷۲ آن‌هم در شرایط صلح مسلحانه، برنامه بازسازی و نظام‌سازی، استفاده مطلوب از ظرفیت‌های مطرح شده، نظام‌سازی آماری، فنی، اجرایی، نظارتی، برنامه‌ای، بودجه‌ای و... که اگر امر تکوین این نظامات به سرانجام می‌رسید، امروزه کشور بسیاری از راهکارهای برنامه‌ای و بودجه‌ای را در خود، نهادینه کرده بود. هنوز جوهر امضای ابلاغ برنامه از مجلس به‌طرف دولت خشک نشده بود که برنامه سری تعدیل توزیع‌شده بین ۱۰ وزیر از کابینه مطرح شد و به اجرا گذاشته شد، آن‌هم بدون داراشدن کشور از شرایط و پیش‌نیازهای آن، آن‌هم به‌صورت نامربی، نیمه‌مربی و در نهایت، پس از بروز عارضه‌ها و طرح برخی نظرات کارشناسی، مربی و آنچه عمل شد چه درست و چه غلط از منظر علم اقتصاد، خلاف میثاق کشور یعنی برنامه پنج‌ساله اول توسعه مصوب دولت و مجلس بود. در برنامه پنج‌ساله دوم نهاد برنامه‌وبودجه کشور، برنامه تعدیل ساختاری را به‌صورت لایحه‌ای تقدیم مجلس کرد کاری که چند سال مطابق آن عمل کرده بود ولیکن برای آن قانونی نداشت و برای مشروعیت بخشیدن آن را به‌صورت لایحه برنامه دوم تقدیم کرد. مجلس محترم خارج از حد انتظار دولت، برنامه دوم توسعه کشور را که برنامه تعدیل بود، تصویب کرد و دست دولت را در همه امور باز گذاشت این‌بار دولت صاحب برنامه تعدیل شد، به جای عمل به آن ناگهان اعلام وضعیت فوق‌العاده و برنامه تثبیت می‌کند خدایا نهاد برنامه‌وبودجه در این کشور چه می‌کند؟ برنامه ساماندهی کشور تصویب می‌کنند او برنامه تعدیل اجرا می‌کند برنامه تعدیل به او داده می‌شود او برنامه تثبیت اجرا می‌کند و در این میان نه نظارتی وجود دارد، نه حسابی، نه کتابی، نه گزارشی و این دردها اگر با مولفه‌های صفحات پیشین مقایسه شود راز و رمز عقب‌افتادگی کشور را نمایان خواهد کرد. پروفسور دوگا یکی از سازندگان ژاپن پس از جنگ می‌گوید: «راز و رمز توسعه ژاپن در بهادادن به چیزهایی بود که بسیاری از افراد، پیش‌افتاده دانسته و می‌دانند» راز و رمز توسعه‌نیافتگی کشور ما در توسعه‌نیافتگی نهاد برنامه‌وبودجه است که هم بسیاری از حلقه‌ها را در خود جای نداده، هم بسیاری از صاحبنظران در این ۲۰سال از آن خارج شده‌اند و هم آنهایی که مانده‌اند، به لحاظ اینکه برای آنها انگیزه و علاقه‌ای باقی نگذاشته‌ایم و مشارکتی برای آنها قایل نشده‌ایم از کارآیی و اثربخشی لازم برخوردار نیستند، مضافا به اینکه امروزه نهاد برنامه‌وبودجه سطوح پنج‌گانه را با کمیت و کیفیت لازمی که باید در خود داشته باشند در اختیار ندارد و همچنین در برقراری تعاملات و پیوندها، عاجزترین روزگار خود را سپری می‌کند. به‌خاطر این عدم هدایت در نهاد برنامه‌وبودجه کشور و همچنین حلقه‌های مفقوده آن است افرادی که در سطح سه و چهار نظام برنامه‌ریزی قرار دارند و باید وظیفه حل‌وفصل و تنظیم معادلات آن را بر عهده داشته باشند و در سطح خود می‌توانند منشا اثر واقع شوند، در سطح یک مشغول طراحی و راهبری شده‌اند و این حقیقتا یک فاجعه است که خط‌مشی‌نویسان و تکنیسین‌های برنامه به‌جای راهبران و استراتژیست‌ها، راهبردهای برنامه را دارند تعیین می‌نکنند به قول آرتورلوییس «مصیبت در جایی بروز می‌کند که ابزارکاران برنامه توسعه، هدف و راهبرد آن را تعیین کنند و سیاستگذاران مشغول وظیفه ابزارکاران برنامه شوند» و این چیزی است که از سال ۱۳۶۸ تاکنون در نهاد برنامه‌وبودجه کشور صورت گرفته است و به خاطر این جابه‌جایی در وظایف است که مشکلات ساختاری و کارکردی متعدد هم در نهاد برنامه‌وبودجه کشور و برای اقتصاد کشور بروز می‌کنند.

* در برنامه‌های توسعه کشور و به‌ویژه در برنامه تعدیل ساختاری، برنامه دوم و لایحه برنامه سوم، نهاد برنامه‌وبودجه نتوانست بین اهداف و ابزارها تعادل و توازن لازم و بایسته‌ای را برقرار کند.

* نهاد برنامه‌وبودجه به‌خاطر ناتوانی مفرط در استخوانبندی خود، سلسله مراتب تنظیم برنامه و مرتبه‌بندی امور در دهه گذشته، ابزارهای اقتصادی حجم پول، نقدینگی، تورم، کسر بودجه و... را به جای اهداف اقتصادی عدالت اجتماعی، اشتغال، ثبات اقتصادی، پایداری رشد اقتصادی و... نشانید و از طریق این جابه‌جاشدن ابزارهای اقتصادی با اهداف اقتصادی است که هم‌اکنون بحران اقتصادی کشور را همچون پدیده رکود تورم فراگرفته‌است.

ادامه دارد

نهادهای نظارتی توقف «سوآپ» را عجولانه می‌دانند

آن‌که متوقف کرد پاسخ دهد

عکس: AP

آذرجزایری: رییس کمیسیون انرژی مجلس توقف «سوآپ» نفت را در جهت حفظ منافع ملی می‌داند و شرکت «نیکو» را زیرسوال می‌برد در حالی‌که آخرین گزارش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور این تصمیم را عجولانه، اشتباه و برخلاف منافع ملی کشور تشخیص داده‌اند. شرکت «نیکو» در جوابی به «میرکاظمی» و اظهارات اخیرش مدعی ارایه تمام مستندات در راستای اثبات سودآوربودن «سوآپ» نفت برای کشور است با این حال در این بین جای خالی نهادهای بازرسی برای بررسی و پاسخگویی به مردم کاملا خالی است.

هدف اصلی از انجام «سوآپ» نفت‌خام صرفا اقتصادی نبوده بلکه استفاده بهینه از ظرفیت‌های ایران در آسیای میانه و وابسته‌کردن کشورهای تولیدکننده نفت در کشورهای حاشیه دریای‌خزر جهت انتقال نفت از ایران و دسترسی به آبهای آزاد جهت صادرات نفت آنها بوده است. درحالی‌که در حال حاضر به‌دلیل توقف «سوآپ» نفت ایران، علاوه بر هزینه‌ای که ایران باید به کشورهای مورد معامله بپردازد به دلیل ازدست‌دادن اعتماد کشورهای همسایه، باعث پیشرفت خط‌لوله باکو-جیحان شده است. در واقع ما ناخواسته و به‌دلیل یک تصمیم عجولانه علاوه بر از دست‌دادن اعتماد همسایگان خود باعث برد رقیب در منطقه شده‌ایم.

در چنین شرایطی باید نهادهای نظارتی پاسخگوی مردم باشند چراکه نفت، ملی و متعلق به تمام ایرانیان است. بنابراین باید پیگیری چنین مساله‌ای درس عبرتی برای دیگر مدیران شود تا بدانند اگر تصمیمی عجولانه باعث زیر سوال بردن منافع ملی کشور شود باید پاسخگوی۷۵میلیون‌نفرباشند.

در این میان باید نهادهای نظارتی تکلیف این مساله را روشن کنند تا بالاخره مشخص شود چه کسی و چه کسانی باعث پایمال‌شدن منافع ملی شده‌اند؟

در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد نهادهای نظارتی با توجه به رسانه‌ای‌شدن این موضوع، باید جوابگوی تنویر اذهان عمومی باشند تا مشخص شود طی سال‌های گذشته شرکت ملی نفت با طرحی به نام «سوآپ» نفت به کشور خیانت می‌کرده یا کاری درست در جریان بوده است. در این بین باید مسوولانی که باعث متضررشدن جمهوری اسلامی ایران و منافع کشور شده‌اند پاسخگوی اذهان عمومی باشند.

در حالی‌که اخیرا وزیر اسبق نفت و رییس کمیسیون انرژی مجلس، بازهم از «سوآپ» نفت به عنوان خیانتی بزرگ یاد کرده است و شرکت نیکو را مقصر اصلی این مشکل اعلام کرده اما سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات موضوع توقف «سوآپ» نفت خام را به تفصیل مورد بررسی قرار داده‌اند و در گزارش‌های نهایی خود این تصمیم را عجولانه، اشتباه و برخلاف منافع ملی کشور تشخیص داده‌اند.

میرکاظمی در حالی این اظهارات را مطرح کرده است که این تصمیم اشتباه باعث ادعای حقوقی تعدادی از شرکت‌های طرف قرارداد از جمله شرکت کاسپین اویل ریسورسز شده که در سازمان داوری بین‌المللی تحت پیگیری و خواهان ده‌ها میلیون‌دلار خسارت شده است.

میرکاظمی در زمان مدیریتش بر نفت با وجود پافشاری مدیران نفتی بر جلوگیری از این تصمیم عجولانه برخی از آنان را برکنار کرد که معتقد بود نفت را با صرف هزینه‌های بالا به داخل کشور می‌آورند و با کم‌ترین سود می‌فروشند، به طوری که برای ۲۰یا۳۰سنت سود، عملا ۸۰دلار از سرمایه‌های کشور از دست می‌رود. این ادعا بارها از سوی میرکاظمی مطرح شده است اما واقعیت نشان می‌دهد در گزارشی که به این وزیر سابق در این خصوص ارایه شده بود اشکالات محاسباتی وجود داشته و در نهایت با بررسی این گزارش البته پس از توقف «سوآپ» و ریخته‌شدن آب‌ها مشخص می‌شود سود اعلام‌شده ۲۰ تا ۳۰ سنت در هر بشکه غیرواقعی بوده و متوسط سود فقط از عملیات «سوآپ» نفت‌خام پس از کسر تمام هزینه‌ها کمی بیش از یک‌دلار در هر بشکه بوده است. باید توجه کرد که سودهای پنهان در این عملیات از جمله تفاوت کیفی نفت‌خام‌های وارده با نفت خام‌های ایران، ارزش افزوده براساس تولید فرآورده‌های نفتی با ارزش بالاتر که حدود دو تا سه‌دلار در هر بشکه برآورد شده، عدم‌انجام هزینه انتقال نفت‌خام از جنوب کشور به پالایشگاه‌های تهران و تبریز (متجاوز از یک هزار کیلومتر)، استفاده بهینه از سرمایه‌گذاری انجام‌شده برای ساخت پایانه نفتی نکا و خط لوله نکا-ری و همچنین ایجاد شغل در محاسبات سود اعلام‌شده منظور نشده است. بنابراین اینجاست که نهادهای بازرسی باید به دنبال پاسخ به این سوال ملی باشند که با چه استدلالی اجازه توقف «سوآپ» نفت داده شده است آن هم در شرایطی که به اعتراف افراد مطلع در مسایل سیاست خارجی و اقتصادی هدف اصلی از انجام «سوآپ» نفت‌خام صرفا اقتصادی نبوده بلکه استفاده بهینه از ظرفیت‌های ایران در آسیای میانه و وابسته‌کردن کشورهای تولیدکننده نفت در کشورهای حاشیه دریای خزر جهت انتقال نفت از ایران و دسترسی به آب‌های آزاد جهت صادرات نفت آنها بوده است.

از سال ۱۹۹۹ تاکنون ۲۴۵میلیون بشکه نفت «سوآپ» شده که این میزان یک‌میلیارد و ۴۵۰میلیون‌دلار درآمد نصیب کشور کرده است که در صورت تقسیم این رقم بر ۲۴۵میلیون بشکه به این نتیجه می‌رسیم که از محل «سوآپ» هر بشکه نفت طی سال‌های گذشته ۵/۹۱دلارعاید کشور می‌شده است و آمارهای مطرح شده از سوی وزیر اسبق نفت که منجر به توقف «سوآپ» شد یک اشتباه استراتژیک بوده است

شاید بتوان تایید این ادعا را در اظهارات اخیر وزیر اسبق نفت درخصوص مساله «سوآپ» یافت. غلامحسین نوذری در زمان توقف «سوآپ» نفت درمورد «سوآپ» نفت تاکید کرد: توقف «سوآپ» نفت اشتباه بزرگی است چراکه «سوآپ» نفت منافع اقتصادی، سیاسی و عملیاتی برای کشور دربرداشت. وی افزود: اجرایی کردن «سوآپ» نفت دپیلماسی انرژی کشور را تبیین می‌کرد.

نوذری تاکید کرد: متاسفانه پس از فروپاشی شوروی سابق ما فرصت‌هایی را در دریای خزر از دست داده‌ایم که جبران بعضی از آنها امکان ندارد.

وی گفت: نباید فراموش کرد «سوآپ» نفت و حتی گاز و تبدیل ایران به یک هاب انرژی در روابط دوجانبه و چندجانبه در حوزه خزر یک ضرورت است.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا نهادهای بازرسی کشور پیگیر مساله‌ای به این بزرگی نمی‌شوند و از مسوولان و مدیران کشور در زمانی که منافع ملی کشور را به خطر می‌اندازند پاسخ نمی‌خواهند؟ وزیر سابق نفت در دفاع از این تصمیم خود همان زمان در جمع اعضای کمیسیون وقت انرژی در دفاع از عملکردش در این خصوص تاکید کرده بود: من برای نحوه اجرای طرح «سوآپ» برنامه‌های تازه‌ای داشتم. به‌طوری که در این طرح، جایگاه کشور ما جایگاه یک کشور متضرر نباشد و حتی با شرط رعایت مصالح ملی و کسب سود متناسب از اجرای سالم این طرح، دستور «سوآپ» نفت را تا ۵۰۰هزاربشکه هم ابلاغ کرده بودم. پس باید مشخص شود اگر چنین برنامه‌ای وجود داشته، چرا در حال حاضر «سوآپ» نفت ما متوقف است؟

این درحالی است که در همان زمان کاتوزیان رییس کمیسیون انرژی مجلس در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» تاکید کرد: توقف «سوآپ» نفت براساس آمار غلطی صورت گرفت که بعدا پس از بررسی آن مشخص شد در محاسبات رقمی اشتباه شده بود چگونه شرکتی حاضرشده با ایران وارد مذاکره شود؟

از سویی دیگر، «رستم قاسمی» پس از دو ماه حضور بر مسند مدیریت نفت در اتاق بازرگانی تهران به اظهارنظری در این خصوص پرداخته و تاکید کرده بود «سوآپ» نفت باید مجددا مورد بررسی قرار بگیرد.

بررسی قراردادهای «سوآپ» نفت کشور که بیشتر معطوف به قرارداد ما با شرکت ویتول با ۷۰هزاربشکه «سوآپ» مربوط بوده است سود مستقیم «سوآپ» هر بشکه نفت برای ایران ۱/۰۵دلار بوده است که براین اساس با احتساب «سوآپ» ۲۴۵میلیون بشکه نفت از این محل ۲۵۰میلیون‌دلار سود مستقیم عاید کشور شده است.

در شرایطی نفت «سوآپ» شده به ایران از نظر کیفیت بالاتر از نفت ایران بوده که در جنوب تحویل خریدار می‌شده است. بنابراین کارشناسان معتقدند ایران به دلیل دریافت نفت باکیفیت‌تر ۹۰سنت در هر بشکه سود می‌کرده است چرا که از نفت سبک در زمان تصفیه در پالایشگاه، فرآورده‌های بیشتری را عاید کشور می‌کند بنابراین در این‌صورت از ابتدای این طرح تا توقف آن، از این محل ۲۲۰میلیون‌دلار به درآمدهای نفتی ایران افزوده شده است. تا پیش از اجرای این طرح نفتی‌ها برای تامین خوراک پالایشگاه‌های تهران و تبریز ناچار به هزینه‌های هنگفت برای انتقال نفت‌خام بوده‌اند اما پس از اجرای این طرح این مشکل مرتفع شد و نفت دریافتی از کشورهای همسایه در شمال کشور به این پالایشگاه‌ها انتقال یافت و هزینه انتقال نیز به صفر کاهش یافت. بنابراین از این محل نیز بنا به نظر کارشناسان ۴۰۰میلیون‌دلار منفعت نصیب ما شده است که به قولی می‌شود نفع یک‌دلاروشش‌سنتی در انتقال هر بشکه نفت!

براین اساس در صورت احتساب ۱۰سال بهره‌بردن از این سود بانکی از محل «سوآپ» نفت ۵۸۰میلیون‌دلار سود عاید کشور شده است.

براین اساس روی هم‌رفته از سال ۱۹۹۹ تاکنون ۲۴۵میلیون بشکه نفت «سوآپ» شده که این میزان یک‌میلیارد و ۴۵۰میلیون‌دلار درآمد نصیب کشور کرده است که در صورت تقسیم این رقم در ۲۴۵میلیون بشکه به این نتیجه می‌رسیم که از محل «سوآپ» هر بشکه نفت طی سال‌های گذشته ۵/۹۱دلارعاید کشور می‌شده است و آمارهای مطرح شده از سوی وزیر اسبق نفت که منجر به توقف «سوآپ» شد یک اشتباه استراتژیک بوده است. اشتباهی که پای ما را به دادگاه‌های بین‌المللی کشانده و اعتبار ایران را در میان همسایگان خزری خدشه‌دار کرده است. ضمن آنکه در حال حاضر خبر می‌رسد «سوآپ» نفت در حد کمتر از ۱۰هزار بشکه آغازشده در حالی‌که پیش از این ۸۰ هزار بشکه بوده است. بیشتر این سهم از سوی شرکت ویتول در حدود ۷۰هزار بشکه با ایران امضا شده بود که در حال حاضر این شرکت حاضر شده با «سوآپ» کمتر از ۱۰هزاربشکه همکاری با ایران را ادامه دهد.

گزارش بانک مرکزی مشخص کرد

صندوق خالی بانک‌ها در سال پایانی دولت احمدی‌نژاد

خبرآنلاین: براساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی در اسفند سال ۹۱ بالغ بر ۹۹/۷درصد از منابع بانکی کشور به شکل تسهیلات پرداخت شده است.

به این ترتیب براساس مانده اعلام شده کل منابع آزاد سیستم بانکی رقمی معادل ۱/۳هزارمیلیارد تومان است، به‌عبارتی ساده‌تر می‌توان گفت در ابتدای سال ۹۲ و در آخرین ماه‌های فعالیت دولت دهم، در عمل صندوق بانک‌ها خالی از منابع است و در صورتی که دولت بخواهد توان تسهیلات‌دهی بانک‌ها را افزایش دهد مجبور به چاپ اسکناس با استقراض است. البته نکته قابل تامل آنکه طی سال‌های ۸۴ تا ۹۱ در عمل در بسیاری از موارد، حجم تسهیلات پرداختی نسبت به منابع جذب‌شده سیستم بانکی به ۱۱۰درصد نیز نزدیک شده (در اسفند سال ۹۰ معادل ۱۱۱درصد از منابع جذب‌شده بانک‌ها تسهیلات پرداخت شده است) کاهش این نرخ به رقم صددرصد از سوی بانک مرکزی به عنوان یکی از نقاط قوت محمود بهمنی اعلام شده است.

وزیر اقتصادی و دارایی:

برنامه اصلی، مدیریت کسری بودجه است

مهر: وزیر امور اقتصادی و دارایی راهبرد اساسی وزارت اقتصادی گفت: کاهش وابستگی ساختار اقتصاد کشور به نفت و افزایش سهم مالیات‌هاست و بر این اساس برنامه‌های عملیاتی خود را محقق خواهیم کرد. به گفته علی طیب‌نیا، برنامه صدروزه تمامی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها تا پایان هفته جاری اعلام خواهد شد. مسایل مربوط به ارز، تورم و تولید مسایلی است که در حوزه اختیارات و وظایف یک وزارتخانه به تنهایی نمی‌گنجد؛ اینها ماموریت‌هایی است که تیم اقتصادی دولت به صورت هماهنگ و منسجم اعلام می‌کند. وزیر اقتصاد گفت: در برنامه صدروزه دولت مدیریت کسری بودجه سال‌جاری مطرح است. بودجه سال‌جاری با عدم امکان تحقق منابع به‌صورت جدی مواجه است، بنابراین برنامه ما مدیریت کسری بودجه است. مدیریت تراز مالی هدفمندی یارانه و بودجه سال‌جاری از برنامه‌های صدروزه دولت است.

نگاه هفته

فرصتی برای استقلال بانک مرکزی

غلامرضا کاظمی دینان
کارشناس امور بانکی

نظام سیاسی کشور که همواره سایه سنگین خود را بر سر اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی کشور حفظ کرده و از رهگذر همین سایه سنگین، اجازه اتخاذ تصمیمات بهینه اقتصادی را از سیاستگذاران این حوزه دریغ کرده است، این روزها در آستانه تصمیمی تاریخی قرار گرفته است؛ اجازه استقلال به بانک مرکزی یا ادامه تولیت بر این نهاد سیاستگذار اقتصادی. افزایش معوقات بانکی، رشد شدید حجم مطالبات بانک مرکزی از دولت، ناتوانی بانک مرکزی در ارایه بسته سیاستی برای مهار افزایش سرسام‌آور نقدینگی و به تبع آن تورم، تلاش‌های نافرجام در مهار افت شدید ارزش پول ملی طی سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۰ و ماه‌های آغازین سال‌جاری و ده‌ها مورد مشابه دیگر، همگی نشان از این واقعیت دارد که روند اداره بانک مرکزی به شکل فعلی به بن‌بست رسیده است و چاره‌ای نیست جز آنکه طرحی نو درانداخته شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران طی بیش از سه‌دهه فعالیت، نشان داده است که با روش فعلی قادر به مهار موج‌های سنگین تورمی و تلاطم‌های بزرگ نرخ ارز نیست. این موضوع به یک دهه گذشته بازنمی‌گردد، اما اوج زیرسوال‌رفتن روش اداره بانک مرکزی به شیوه فعلی که باید سیاست‌های آن را طفیلی منویات دولت دانست که عمدتا نه با نگاه اقتصادی صرف، بلکه با نگاهی آمیخته به سیاست همراه است، در همین سال‌های اخیر اتفاق افتاده است. در همان روزهای آغازین دولت نهم، طراحی سیاست بنگاه‌های زودبازده که منابع بانکی را هدف سیاست‌های خود قرار داده بود و سیطره مدیریت سیاسی کشور بر مدیران بازار پول، نهایتا منجر به خروج حداقل ۱۸هزارمیلیاردتومان از سیستم بانکی و ورود این رقم به بخش‌های غیرمولد و بازارهای رقیب از جمله بازار طلا و ارز شد. این تجربه نشان داد که در روش فعلی اداره بانک مرکزی، همه دولتمردان برای بانک مرکزی تصمیم می‌گیرند، جز بدنه کارشناسی مستقر در این نهاد.

این گفته‌ها دلیلی برای زیرسوال‌بردن مدیران توانای این بانک طی همه این سال‌ها نیست. چه بسا اگر تلاش‌های این عزیزان که همه مجهز به علم و دانش بایسته و شایسته بودند، نبود، آثار سیاست‌های تحمیلی از سوی دولت بر بانک مرکزی به مراتب از چیزی که هست، زیان‌بارتر می‌شد.

تمام این موارد نشان می‌دهد که امروز باید راهی نو در پیش گرفت. بانک مرکزی باید در اتخاذ و اجرای سیاست‌های خود مستقل باشد و تحت فشار مدیران سیاسی و غیرسیاسی مستقر در دولت یا دیگر نهادهای قدرت، به سیاستگذاری نپردازد.

امروز همه بر این موضوع متفق‌القول هستند که باید تورم بالای جامعه در کشور که نرخ‌های ۲۰ و ۳۰درصدی را درنوردیده و امروز به نرخ ۴۰درصدی پهلو می‌زند را مهار کرد. نتایج بررسی‌های گسترده اقتصاددانان و نهادهای قدرتمند مالی بین‌المللی نشان می‌دهد که رابطه‌ای مستقیم بین نرخ تورم و دامنه دخالت دولت در بانک مرکزی وجود دارد؛ یعنی هرچه دخالت دولت در بانک مرکزی بیشتر باشد، نرخ تورم افزایش و هرچه دخالت دولت و سایر نهادهای خارج از نظام پولی کشور کمتر باشد، نرخ تورم نیز کاهش می‌یابد. تمام تجربه‌های بین‌المللی و بیش از سه‌دهه تجربه فعالیت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ما را به این نتیجه محتوم می‌رساند که باید در راستای استقلال بانک مرکزی گام برداریم و به این استقلال احترام بگذاریم. این مهم عملی نیست جز با انتخاب مدیری شایسته و قدرتمند از دل نظام پولی کشور که بتواند استقلال را به این نهاد بازگرداند و آن را پاس دارد. فراموش نکنیم که استقلال بانک مرکزی باعث شفافیت و استحکام سیاست‌های پولی، تفکیک سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی، شفاف‌شدن وظایف پولی از وظایف غیرپولی، محدودشدن دامنه عملیات شبه‌مالی، جلب تمایل و توان این نهاد به سوی سیاستگذاری کلان اقتصادی، تقلیل تزلزل در تصمیم‌گیری‌ها و روش آزمون و خطا، محدودشدن دامنه تاثیرگذاری سایر نهادها و شوراهای موازی در درون تشکیلات بر روند تصمیم‌گیری‌های این حوزه، افزایش مسوولیت‌پذیری این نهاد در قبال تصمیمات و تدابیر پولی، کاهش درجه وابستگی دولت به این نهاد، کاهش زمینه استقراض دولت از بانک مرکزی، تقویت دید بلندمدت و حذف دید کوتاه‌مدت رهبران سیاسی نسبت به سیاست‌های پولی و مالی و ده‌ها نتیجه مثبت دیگر می‌شود.

در پایان باید گفت که استقلال بانک مرکزی به آن معنی نیست که بانک مرکزی آزادی مطلق دارد و نباید توجهی به سیاست‌های دولت بکند، بلکه برعکس بانک مرکزی باید با توجه به شرایط اقتصادی و مراحل توسعه‌ای که کشور در آن قرار دارد، سیاست‌های پولی موثری به‌کار گیرد تا ضمن کنترل تورم، باعث رکود و بیکاری نشود و در عین حال، بتواند انگیزه و تحرک لازم در اقتصاد کشور را به وجود آورد.

خبر

عضو اتاق ایران هشدار داد

احتمال کمبود مرغ در سه ماه آینده

● **ایسنا:** با توجه به تبعات معطل‌ماندن نهاده‌های دامی در کشتی‌های موجود در بندر امام خمینی(ره) در سه ماه آینده شاهد کمبود مرغ در بازار خواهیم بود. مسعود دانشمند، رییس کمیسیون حمل‌ونقل اتاق بازرگانی ایران با تاکید بر اینکه امکان ارایه اسناد ترخیص کالا از سوی این کشتی‌ها به گمرک‌های داخلی وجود ندارد، بیان کرد: کشتی‌ها هنوز وارد گمرک و اسکله‌ها نشده‌اند. به گفته او، کشتی‌های حامل بار نهاده‌های دامی همچنان امکان ترخیص کالای خود در گمرک را ندارند. این در حالی است که بار این کشتی‌ها نباید مدت‌زمان زیادی در گمرک بماند و باید به محض تخلیه از کشتی مستقیما به شهرستان‌ها انتقال یابد. به گفته او صاحب کالا، کالا را خریده، پول آن را داده است و مصرف‌کننده‌های نهایی یعنی مرغداری‌ها و دامداری‌ها نیز منتظر دریافت این کالا هستند. وقتی ما این کالاها را به موقع به دست آنان نمی‌رسانیم نتیجه آن، کاهش تولیدات محصولات پروتئینی در آینده نزدیک است. دانشمند با بیان اینکه آثار این تصمیم‌نگرفتن‌ها این است که سرمایه بلاتکلیف می‌ماند، خاطرنشان کرد: از سوی دیگر بابت توقف این کشتی‌ها باید ۱۰ تا ۱۵دلار هزینه توقف را پرداخت کنیم که خود این موضوع قیمت تمام‌شده کالا را افزایش می‌دهد.

اصلاح بودجه ۹۲ از دولت قبل آغاز شده بود

● **فارس:** غیرواقعی‌بودن درآمدهای بودجه ۹۲ و اصلاح موادی از آن دیدگاه مشترک دولت دهم و یازدهم است و به گفته معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی ریاست‌جمهوری، تدوین اصلاحیه این قانون در این معاونت از دوره قبل آغاز شده و تا چهارشنبه آینده به دولت می‌رود. به گفته رحیم ممبینی، ابهاماتی که در قانون بودجه ۹۲ وجود دارد در دولت قبل نیز مد نظر بود و مکاتباتی نیز با مجلس داشتیم. دولت تصمیم به شفاف‌سازی قانون بودجه و اصلاح آن گرفته است. دولت در بخش‌هایی که اصلاح آن خارج از حیطه اختیارات دولت است، اصلاحیه را تدوین و تقدیم مجلس می‌کند. بخشی از این مشکلات به شکل درآمد - هزینه در قانون بودجه لحاظ شده است و اگر درآمد محقق شود، پرداخت به دستگاه‌ها صورت می‌گیرد.

اولتیماتوم شورای رقابت:

قیمت متوسطی برای خودروهای سی‌کی‌دی اعلام می‌شود

● **تسنیم:** رییس شورای رقابت از آخرین فرصت شرکت‌های خودروساز برای ارایه اطلاعات خود به این شورا خبر داد و گفت: در صورت عدم دریافت اطلاعات، شورای رقابت در نهایت قیمت متوسطی را برای خودروهای سی‌کی‌دی در نظر خواهد گرفت. جمشید پژویان، با اشاره به اینکه باوجود مکاتبات متعدد شورای رقابت با خودروسازان، هنوز تعدادی از خودروسازان اطلاعات لازم را برای تعیین دستورالعمل قیمت‌گذاری خودروهای سی‌کی‌دی به این شورا ارسال نکرده‌اند، اظهار کرد: خودروسازان تا جلسه آینده شورای رقابت فرصت دارند تا اطلاعات تکمیلی خود را برای تعیین دستورالعمل قیمت این خودروها به شورا ارایه کنند. در صورت عدم دریافت اطلاعات، شورای رقابت در نهایت، قیمت متوسطی را برای این خودروها در نظر خواهد گرفت.

چرایی برکناری مدیرعامل سابق پارس‌خودرو

● **بازار خبر:** تغییر مدیرعامل پارس‌خودرو با هماهنگی هیات‌مدیره و مسوولان مرتبط انجام گرفته است. یک مقام در شرکت سایپا در رابطه با عزل مدیرعامل پارس‌خودرو گفت: عملکرد مدیرعامل پارس‌خودرو در بخش تولید باعث افت شدید تولید و نارضایتی مشتریان در مدت تصدی ایشان شده است؛ به‌گونه‌ای که با توجه به روند افزایشی تولید در شرکت‌های زیرمجموعه گروه سایپا همچون زامیاد و سایپا کاشان و همچنین خود سایپا، تولیدات پارس‌خودرو روند نزولی داشته است. فضای جدید و توجه خاص دولت تدبیر و امید به توسعه تولید و راه‌اندازی فضای کسب‌وکار و نیاز به مدیران بدون حاشیه سبب شد تا هیات‌مدیره شرکت پارس‌خودرو حکم برکناری صمدی از مدیریت پارس‌خودرو را بدهد.

بریده اخبار

تسنیم: بورس تهران با افت ۲۸۶ واحدی در معاملات دیروز، همچنان در کانال ۵۹هزارواحد قرار دارد و تنها ۲۸۱ واحد تا دومین عقب‌نشینی و رسیدن به کانال ۵۸هزارواحد فاصله دارد.

فارس: مدیرکل اقتصادی بانک مرکزی گفت: همه دستگاه‌ها، اطلاعات خود را به بانک مرکزی ارایه نداده‌اند و به همین دلیل نتوانستیم به عدد رشد اقتصادی سال ۹۱ دست یابیم.

ایلنا: رییس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران گفت: دولت در برنامه صد روزه‌اش حمل و نقل کالاهای صادراتی را سامان دهد.

ایسنا: مدیرعامل اتحادیه مرغداران مرغ تخمگذار از افزایش قیمت تخم‌مرغ به شانه‌ای هشت‌هزارو۵۰۰تومان خبر داد و گفت: قیمت این محصول در بازار داخلی بالاتر از بازارهای صادراتی است به گونه‌ای که هر شانه تخم‌مرغ در بازارهای صادراتی حدود شش‌هزارو۲۰۰تومان فروخته‌می‌شود.

برگ سبز و سند ماشین مدل هیوندا آوانته به شماره پلاک ۹۳۸ س ۳۵ ایران ۵۴ شماره شاسی NA۶NG۳۳۱۰۹C۱۰۷۸۷۲ و شماره موتور G۴GC۹۷۳۲۹۷۱ متعلق به اینجانب فاطمه علاء فرزند حسین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.